



خاکسپاری فرشچیان در اصفهان

پیکر استاد محمود فرشچیان، هنرمند نام‌آور و یکی از بزرگ‌ترین استادان هنر نقاشی ایرانی، پس از عزیمت به ایران در اصفهان به خاک سپرده خواهد شد. براساس اعلام روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در یکشنبه هفته جاری جلسه‌ای برای هماهنگی برگزاری مراسم وداع با پیکر استاد فرشچیان، میان مسئولان وزارت فرهنگ و برادرزاده‌ها و خانواده او برگزار و مقرر شد که پیکر ایشان پس از عزیمت به ایران، به‌صورت مستقیم به اصفهان منتقل و در این شهر با حضور مردم و علاقه‌مندان تشییع شود. همچنین در این جلسه به‌برگزاری مراسم تشییع پیکر استاد فرشچیان از رویروی تالار وحدت و طواف ایشان در حرم امام‌رضا (ع) اشاره شد. باین‌حال، خانواده فرشچیان در این مراسم با اشاره به تأکید استاد اعلام کردند که مراسم تشییع فقط در اصفهان برگزار شود. این هنرمند مطرح نگارگری کشورمان، در صبح ۱۸ مردادماه ۱۴۰۴ دارفانی را وداع گفت.



ممنوعیت افزایش قیمت بلیت کنسرت‌ها

دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، روز گذشته با انتشار اطلاعیه‌ای ممنوعیت افزایش قیمت بلیت کنسرت‌ها را تا اطلاع ثانوی اعلام کرد. در این اطلاعیه آمده است: «باتوجه به در جریان بودن روند تعیین قیمت بلیت اجراهای صحنه‌ای، ذکر این نکته الزامی است تا زمان اطلاع‌رسانی این دفتر، هرگونه افزایش قیمت نسبت به دوره قبل غیرقابل قبول است.» همچنین در بخش دیگری از آن درباره روند مکاتبه‌های مستمر با مدیران سالن‌های برگزاری کنسرت در حوزه آتش‌نشانی و خدمات ایمنی توضیح داده شده است. این اطلاعیه در حالی منتشر می‌شود که طی روزهای بیست‌ویکم اردیبهشت‌ماه، ششم مردادماه در نامه‌های جداگانه‌ای که از سوی دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به مدیران سالن‌های برگزاری کنسرت و جلسه روز هفتم مردادماه درباره الزام تأییدیه سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی برای استحکام و بازنگری در ایمنی سالن‌های کنسرت به‌منظور پرهیز از هرگونه حادثه غیرقابل پیش‌بینی ارسال شد، بر ضرورت اجرای این الزامات تأکید شده بود.



آیکون طلایی برای کالین فارل

کالین فارل، بازیگر ایرلندی نامزد اسکار، با دریافت جایزه «آیکون طلایی» جشنواره فیلم زوریخ مورد تقدیر قرار خواهد گرفت. این بازیگر، در جشنواره فیلم زوریخ ۲۰۲۵ جایزه «آیکون طلایی» را به پاس بازی در فیلم «تصنیف یک بازیکن کوچک» و دستاوردهای هنری اش دریافت خواهد کرد. از برندگان پیشین جایزه «آیکون طلایی» جشنواره زوریخ می‌توان به کیت وینسلت، جسیکا چستین، هیو جکمن، کیت بلانشت و هیو گرانث اشاره کرد. کالین فارل نیز در ۲۷ سپتامبر برای فیلم «تصنیف یک بازیکن» (Ballad of a Small Player) «به کارگردانی ادوارد برگر، جایزه «آیکون طلایی» را دریافت خواهد کرد. این فیلم، اقتباسی از زمان سال نوشته لانس آژبورن در سال ۲۰۱۴ است و داستان یک قمارباز در ماکائو را روایت می‌کند که گذشته‌اش سرآغ او را می‌گردد. این سومین انتخاب پیاپی آثار برگزیده برای جشنواره زوریخ، پس از «در جبهه غرب خبری نیست» و «مجمع کاردینال‌ها» محسوب می‌شود. این جشنواره از ۲۵ سپتامبر تا پنج اکتبر (سه تا چهارم) در سوئیس برگزار خواهد شد.

عکس: پرتو جغتایی، تیوال

زبان به‌مثابه فروپاشی

درباره نمایش باغ عدن

که توصیف جهانی یکنواخت و خالی از زندگی است



از اینکه آن جهان همین جهان است منتهی با زبانی گسیخته‌تر و احتمالاً ساختاری چه‌بسا آشفته‌تر و از همین جاست که امر سیاسی و سویه اجتماعی اجرا، جان می‌گیرد اما گویی چنان پراپام است و سرکوب‌شده که تنها در حد توصیف موقعیت دست‌وپا می‌زند. «باغ عدن» در اجرا هم همچون زبانش، ساکن و یکنواخت است، با دو شخصیت نشسته بر دو صندلی با فاصله یک میز، که رو به تماشاگر و نه رو به هم، در می‌کروفن آموزش زبان، حرف می‌زنند و تمرین زبان می‌کنند. آن‌هم در کتابخانه‌ای عمومی که هرروز صدای ضبط‌شده‌ای، زمان بسته‌شدن را مثل نمونه‌ای از زبان رسمی و قاطع اعلام می‌کند و این هرروز و هرروز دارد تکرار می‌شود.

استفاده از این ساختار آموزش زبان برای گفتن از جهان ارتباطی آدم‌ها بارها در نمایشنامه‌ها استفاده شده اما در این نمایشنامه به‌واسطه این‌همانی زبان دوم، ساختارکهنه، معنای تازه‌ای می‌گیرد. گویی که در ساختار و پازل زبان گیرافتاده اِسم و راه برون‌رفتی از این گرداب نیست. اجرا به‌خوبی از این سرگردانی در پازل کلمه‌ها در هر دوزبان، یکنواختی لحن‌ها و روزمرگی‌ای که زبان نه‌تنها نمی‌تواند به آن سویه رهایی‌بخشی بدهد که خود آغاز روزمرگی است، استفاده کرده. و بدن‌ها، بدن‌های لخت و نسبتاً بی حرکت پشت‌میز کتابخانه‌ای که مدام ساعت تعطیلی را اعلام می‌کند در کمترین کنش خود، این فروپاشی و مرگ را در رابطه انسانی و در رابطه با جهان به خوبی می‌نمایاند.

ما از خلال زبان گسیخته‌شده که خود را زبان

نشانه‌ها کنار هم می‌نشینند تا جمله‌ای را بسازند با مفهومی. به‌جای این کلمه‌ها که کنار هم همنشین می‌شوند، چه بسیار کلمه دیگر می‌توان جان‌نشین کرد و معناهای تازه ساخت و حرف زد و حرف زد که گفتن، بخشی از وجود آدمی است که خود را از راه زبان، بیان و عیان می‌کند یا شاید بیشتر پنهان و گم. در «باغ عدن»، گویی زبان یکسره در حال نگفتن است.

حالا چه‌بسا بشود که این ساختار همنشینی کلمه‌ها را به‌هم‌ریخت؛ «ریخت، ساختار، این، همنشینی به‌هم، را، کلمه‌ها، بشود» و این بازی است که پایانی برایش نیست. درواقع می‌توان قرارداد تازه‌ای نوشت مبنی بر گسیختگی این جان‌نشینی قابل فهم. زبان یکسره نمادین است اما ساختاری دارد برای فهم و این ساختار که گسیخته شود، نه‌تنها معنا را دور و گم می‌کند که می‌تواند نشان از آشفتگی در زبان گو باشد یا به‌قول باختین، میدانی برای مبارزه با ساختارهای اجتماعی و گفتن‌های مسلط جامعه.

باختین، ادبیات را که در قالب ساختار زبان رخ می‌دهد، میدانی برای مبارزه با ساختارها و هنجارهای اجتماعی می‌داند که چنان آمیخته با گفتن‌های مسلطند که در فرم زبان و به‌هم‌ریختگی ساختارهای زبان، خودشان را نشان می‌دهند. نمایشنامه بی‌آنکه داستانی سرراست بگوید در قالب زبانی که یک زبان آموز از زبان آموزنده می‌آموزد این تکرار و گسیختگی را می‌آفریند. آن دو برآند تا آن جهان یکسره درهم و رو به ویرانی را که در آن می‌زنند، رها کنند و زبانی دیگر بیاموزند تا شاید در جهانی دیگر، ساکن شوند غافل



«باغ عدن»، به‌خوبی توانسته در قالب زبان و بازی با زبان دو انسان نشسته بر صندلی از آغاز تا اواخر نمایش، با کمترین کنش، جهان امروز ما را بی‌آنکه چندان بازنمایی کند و بیشتر از راه فرم زبان، توصیف کند

سپیده شمس

پژوهشگر تئاتر



«باغ عدن» به نویسنده‌گی و بازی احسان معجونی و کارگردانی شایان افشردی و بازی فرزانه میدانی - اجرای که در تماشاخانه ایران‌شهر، بر صحنه بود - اجرایی است که از طریق گسیختگی زبان، موقعیت و جهان درون و برون را توصیف می‌کند اما تنها توصیف می‌کند، آنچنان که گویی رهایی از این شرایط و موقعیت که در زبان خود را بر جسته می‌کند، نیست.

«باغ عدن»، اجرایی است که در قالب آموزش زبان یک‌زن به یک‌مرد، به رابطه‌ای می‌پردازد که گویی مدت‌هاست از بین رفته و از مسیر گسیختگی زبان، گویی اشاره‌ای به جهان گسیخته و رویه فروپاشی دارد. اگرچه این ساختار آموزش زبان برای گفتن از جهان ارتباطی بین زبان‌آموزنده و زبان‌آموز در نمایشنامه، آشنا و تکراری است اما در «باغ عدن» آموزش زبان جدیدی وجود ندارد، زبان تازه، ساختارگسیخته‌ی همان زبان فارسی است و زبان، گویی این در جازدگی، سکون، روزمرگی و رکود را منتقل می‌کند.

نمایشنامه، بنیادش بر زبان است و زبان، ساختاری است که نشانه‌ها می‌سازند. نشانه‌هایی قراردادی که هرکدام را به نامی می‌خوانیم نه خود که شاید از آدم ابوالبشر، هر چیز را به نامی خوانده‌اند و ما تنها میراث می‌بریم تکرار این کلمه‌ها را. به‌باور «سوسور»، این

اتوُد‌هایی خشونت‌بار و دافعه‌زا

نقد و بررسی نمایشواره «کته» به‌نویسندگی «عقیل جماعتی» و کارگردانی «حسین اسدی»

از تعریف و هدفمندی تئاتر و نمایش فاصله می‌گیرد؛ نمایشواره «کته» به نویسنده‌گی «عقیل جماعتی» و کارگردانی «حسین اسدی» که در سالن چهارسوز مجموعه سالن‌های تئاتر شهر اجرا می‌شود، نمونه‌ای فاجعه‌بار و دافعه‌زا در رابطه با اثبات دورشدگی از معنا و مفهوم تئاتر است. این اجرا طراحی صحنه محدود و نمایه‌واری دارد که ظاهراً بخشی از یک کشتی بادبانی به‌نظر می‌رسد؛ در همین رابطه چنانچه ورود و خروج‌های بازیگران را در رابطه با فضای روی عرشه کشتی در نظر بگیریم، عملاً هیچ دلیلی برای استفاده واقع‌گرایانه از این طراحی صحنه وجود ندارد و کاربری آن غلط است. اجرا در ابتدا با موسیقی ضربی و ریتمیک عربی (نسبتاً جنوبی) و رقص یکی از مردان آغاز می‌شود و بعد بلافاصله تماشاگر به‌طور نوبتی با صحنه‌های بار جداگانه‌ای شامل دعوا، فحاشی، چاقوکشی، قهقهه‌های داد و فریادهای خشونت‌رویه‌رو می‌شود؛ در پایان، کار آدم‌های نمایشواره فوق به کشت و کشتار و حتی فرزندکشی هم می‌کشد.



حسن پارسیایی
منتقد تئاتر

هدف هنر عمدتاً شناخت و ترویج ارزش‌های موضوعی و نشان‌دادن مبانی زیبایی‌شناختی محتوای زندگی بیرونی و درونی انسان است که به اعتلای روابط پایدار و ادامه‌دار با طبیعت و جامعه انسانی می‌انجامد؛ هنر حتی زمانی که به زشتی‌ها می‌پردازد، همواره در جست‌وجوی اثبات اثربخشی غایت‌های سامان‌دهنده و زیبای زندگی است. در این میان، هنر نمایش که به‌طور عینی سن، زندگی و حوادث داستانی زندگی بشر را دراماتیزه می‌کند، هرگز عاری از کشف رموز و راه‌های غایتمند نبوده و اساساً با همین رموز و راه‌ها معنا می‌شود؛ اگر از چنین هدفی برکنار بماند، در آن صورت خودش شاکله‌ای زشت‌تر از زشتی‌ها پیدا می‌کند و اساساً

